

سمک عیار

دکتر یوزی بچکا (پراگ)
ترجمه دکتر محمود عبادیان

زمان عامیانه

اکنون به مسائلی می‌پردازم که ویراستار تاجیکی و مترجم روسی نیز با علاقه به آنها توجه داشته‌اند. جلد اول سمک عیار را یوسف جان سلیموف (۱۹۷۸-۱۹۳۵) در صفحه‌های ۵ تا ۱۶ نوشته خود تحت عنوان «نثر روایتی فارس و تاجیک» (دوشنبه ۱۹۷۱) و در مقاله «خصوصیت‌های غایی و بدیعی سمک عیار» (نشر عرفان، دوشنبه ۱۹۸۶) معرفی کرده است. او سمک عیار را با قصه‌های گه‌نتر پیوند می‌دهد و مانند خانلری معتقد است که این اثر در قرن ششم یا اوایل قرن هفتم هجری نگارش یافته است. او از مؤلف کتاب به نام آل‌رجانی و نه آل‌رجانی یاد می‌کند. او نیز مانند مارینا گیار می‌گوید که زبان سمک عیار مانند زبان «دارابنامه» ساده بوده و به سبک خراسانی می‌خورد. سلیموف و گیار در این نکته هم‌نظرند که سمک عیار یک شاهکار ادبی برجسته است که موضوعات پیچیده و تمایزهای خاص خود را داراست. سلیموف به پیراستگی این زمان از سنت‌های مذهبی و عناصر ماوراء طبیعی اشاره دارد. البته باید گفت که عناصر ماوراء طبیعی در کتاب گهگاه دیده می‌شود؛ گیار در تحلیل جلد‌های دیگر کتاب آنها را ذکر کرده است. سلیموف بر غنای زبان کتاب تأکید دارد، پدیده‌ای که در دیگر کتاب‌های عصر تألیف سمک عیار وجود ندارد. او مقدمه‌ای کوتاه بر جلد چهارم این اثر نیز نوشته است. در این مقدمه به سنت اجتماعی جوانمردان و عیاران توجه می‌دهد که اعضای گروه کار را برای نام و نه برای نان می‌کنند. سلیموف می‌نویسد که بیشتر عیاران از قشرهای صنعتگران و

همچون قابوسنامه و فتوت نامه سلطانی مطابقت می‌دهد. در قسمت دوم بررسی، محتوای جلد اول بحث شده است. پژوهنده محتوای داستانی مجلد را به پنج رویداد قصه‌ای بخش می‌کند. هر یک از این رویدادها به فصلها و هر فصل به صحنه‌هایی تقسیم می‌شود. سپس شگرد (تکنیک) روایت را بررسی می‌کند و می‌کوشد سر نخ کارکرد (نقش) اصلی متن کتاب را که روایت حکایت بوده پیگیری کند. او به کزات توجه می‌دهد که متن داستان از روزگار پیش از اسلام بوده و چیزی از آداب و رسوم این دین کمابیش دربر ندارد. بخش مهمی از بررسی این پژوهنده وقف نقش (کارکرد) شعر و نثر در سمک عیار شده است. در جلد یکم، هجده بخش شعردار یافته است. پس از آن پژوهنده به بررسی جنبه‌های سنتی روایت در کتاب روی می‌آورد و موضوع‌هایی همچون رمل و اسطرلاب، خواب، معجزه و نقش اشخاص را می‌کاود. اشخاص را به خاصگان، پهلوانان و عامه تفکیک می‌کند. چهره و شخصیت سمک در رابطه با اینها جلوه کرده و شکوه می‌یابد. در بخش بررسی اهمیت تربیتی سمک عیار، مارینا گیار به نقش عمده سمک و گروه دوستان او اشاره دارد که از قشرهای مختلف گروه «عیاران - جوانمردان» اند. او چند بار فرازی را از جلد چهارم سمک عیار می‌آورد که در آن روایت‌کننده از شنوندگان خود درخواست چراغ می‌کند. سرانجام به ذکر اهمیت داستان می‌پردازد. این پژوهش با یک کتابنامه و فهرستی از اعلام مهم کتاب به پایان می‌رسد.

- کشف دستنویس بزرگ ولی ناتمام «سمک عیار» در کتابخانه بودلیان اکسفورد یک رویداد پرشور و شعف بود.
- سمک عیار یک رمان عالی و استثنایی است که به احتمال مدتها پس از تکوین به نگارش درآمده است.

تألیف این رمان نامحتمل می‌داند. همو نیز به گرایشی توجه می‌دهد که بنابراین سعی می‌شود هر اثر کهن را به یک اصل عامیانه پیوند دهند. گندیروا بز این باور است که سمک عیار یک رمان نویسنده‌دار است و ادعای خود را با مثالهایی از کتاب استدلال می‌کند. وی می‌نویسد که عیار و جوانمرد در رمان مترادف‌اند. علاوه بر این می‌گوید که سمک یک جوان مکار و رویاه‌صفت است که کنش و مینش‌اش در همه موارد بری از سرزنش و نقض اخلاقی که مدعی آن است، نمی‌باشد. البته او اذعان دارد که سمک عیار در عالم ادبیات یکتاست و همتایی ندارد. خانلری در بررسی کتاب مورد نظر به دو گروه «سمک» و «سَدک» در تاریخ سیستان توجه داده است. او نیز به این نتیجه رسیده است که سمک عیار به عصر پیش از اسلام تعلق داشته و شاید از عهد ساسانیان به روایت سینه به سینه حفظ گردیده باشد. نویسنده آن ممکن است از زرتشتیانی بوده باشد که تا پیروزی اسلام در ایران می‌زیسته است. برخورد ساده و بدون پیشداوری نویسنده نسبت به رویدادها و اشخاص و انتخاب زبان و سبک نگارش کتاب، شایان توجه است.

سمک عیار یک رمان عالی و استثنایی است که به احتمال مدتها پس از تکوین به نگارش درآمده است. با اینکه تنها اثر در نوع خود نیست که در ادبیات جهانی وجود دارد، ولی تردیدی نیست که مورد توجه و بررسی خوانندگان و دانشجویان بسیاری است.

□

پانویس:

- 1- samaki aye"r. 7 vols. nasrie"tic lrfon, Dusanbe 1967 - 1985
- 2- samak - ayyar ili Deyaniya i podvigi krazy ayyarov samake ... 2 vols. Translation and introduction by Nataliya kondyreva. Nauka, Moskva 1984.
- 3- Faramarz fils de khodadad, samak - e Ayyar ..., paris 1972 ...
- 4- Marina Gaillard, le livre de samak - e Ayyar. structure et ideologie du roman persan me die val, paris 1987.

هنرمندان بوده‌اند. او ضمن بررسی ریشه واژه «عیار» ربط آن را با جوانمردی گوشزد می‌کند. او داستان سمک عیار را با ابومسلم نامه و دارابنامه قیاس می‌کند و به کندوکاو می‌گیرد و همه اینها را رمانهای قهرمانی به شمار می‌آورد که تصویر بارزی از جامعه زمان خود می‌دهند. ضمناً عیاران را در این رمان از عیاران دیگر کتابها متمایز می‌کند. آنگاه به ادبیات «پیکارسک» اسپانیا که سه تا چهار قرن پس از سمک عیار شکل گرفت، اشاره می‌کند و فراموش نمی‌کند بنویسد که عیاران از پشتیبانی مردم برخوردار بودند، عیاران و جوانمردان در «سمک عیار» آرمانی توصیف شده‌اند.

جلد پنجم با مقدمه کوتاهی از «کمچین چیلایف» (مؤلف کتاب «ابومسلم‌نامه») آغاز می‌شود. او به تکمیل جلد سوم سمک عیار به کمک ترجمه ترکی داستان «فرخ روز» اشاره می‌کند که رضا سیدحسینی آن را به فارسی برگردانیده است. چیلایف می‌نویسد، به رغم آنکه بخشهایی از رمان گم شده، قسمت عمده کتاب به جای مانده است. جلد ششم را عبدالرشید جلالوف مقدمه‌نویسی کرده است. او اظهار می‌دارد که زمان نگارش کتاب سال ۵۸۵ هجری است که مقارن است با سی و دو سال پس از مرگ سلطان سنجر، پادشاهی که در کتاب از وی تحت عنوان «شکست‌ناپذیر» یاد شده است. جلالوف وضع فوق‌العاده زنان را در رمان به سخن گرفته است. جلد هفتم چاپ تاجیکی سمک عیار را چیلایف آماده کرده و مؤخره‌ای تحت عنوان «پدرود باش سمک» بر آن نوشته است. او در ضمن آن می‌نویسد «یک آشنایی نزدیک با محتوای سمک عیار، میدان به این تردید می‌دهد که تا چه اندازه سمک عیار به راستی یک رمان عامیانه است». البته در بررسی خود به مقتضیاتی می‌رسد که این رمان یک اثر روایی (نقلی) است که در قرونهای سوم و چهارم هجری تدوین یافته است.

نگاهی هم می‌افکنیم به مقدمه‌ای که مترجم روسی بر این رمان نوشته است. او سال ۵۸۵ (۱۱۸۹ میلادی) را برای

